مراسم نقد و بررسی کتاب «کارنامه فیاض» در جهاد دانشگاهی مشهد برگزار شد

فیاض؛ یکی مرد جنگی...

گزارش خبری

خادم| یکی ازکسانی که ادبیات معاصر ایران و به طور خاص مشهد، مدیون اوست، دکتر علی اکبر فیاض است. دوران مدیریت او در دبیرستان شاهرضای مشهد درخشان و بسیار پربار بوده، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد و دانش سرای عالی مشهد را تأسیس کرده و خود رئیس آن ها بوده و شاگردان زیاد و بسیار تأثیرگذاری را تربیت کرده است. تصحیح «تاریخ بیهقی» از بهترین تصحیحات متون کهن فارسی است و از مهم ترین آثار برجای مانده از این ادیب عمل گرا که دو دوره هم نماینده مردم مشهد در مجلس شورای ملی بود.

کامل ترین و جامع ترین اثر برای شناخت دکتر فیاض، اثری است به نام «کارنامه فیاض» که به جنبه های مختلف زندگی و آثار و تأثیرات او پرداخته است. این کتاب که اواخر سال ۱۴۰۲ منتشر شد به کوشش دکتر سلمان ساکت و با همکاری اعظم رمضانی کامه علیا به سرانجام رسیده و نشر ادبیات آن را منتشر کرده است.

جلسه نقد و بررسی این کتاب در تالار فردوسی مجتمع دکتر علی شریعتی در جهاد دانشگاهی مشهد، روز چهارشنبه، دوازدهم اردیبهشت هم زمان با روز معلم برگزار شد. سلمان ساکت، محمدجعفر یاحقی، عبدالرحیم قنوات و بهرام پروین گنابادی، سخنرانان اصلی این برنامه بودند که گزیده ای از سخنان آن ها در ادامه می آید.

عکس: محمد حسن صلواتی | شهرآرا

باید به احترامش کلاه از سر برداریم

دکتر سلمان ساکت: زمانی که مجموعه آثار ایشان را گرد آوردیم متوجه شدم که آثار بسیار زیادی از او مغفول باقی مانده است و ما یک اثر جامع درباره فیاض نداریم

سلمان ساکت: دکتر فیاض را شاید عده ای به عنوان کسی که دانشگاه ادبیات مشهد را تأسیس کرده است بشناسند، اما اگر فقط همین تأسیس دانشکده ادبیات را هم در کارنامه دکتر فیاض در نظر بگیریم، به تنهایی کافی است که به احترامش کلاه از سر برداریم.

وقتی که می خواستیم شب بخارا را برای دکتر فیاض برگزار کنیم، زمانی که مجموعه آثار ایشان را گرد آوردیم متوجه شدم که آثار بسیار زیادی از او مغفول باقی مانده است و ما یک اثر جامع درباره فیاض نداریم. بعدها فهمیدم که تغییری که در نام خانوادگی فیاض رخ داده باعث شده بود بسیاری از آثار او با نام دیگری ثبت شود، بنابراین کسی نمی دانست این ها مال فیاض است. این شد که تصمیم گرفتیم هر چه هست را جمع کنیم تا کتاب جامعی درباره او فراهم شود. کاری که به همراه یکی از دانشجویانم، خانم اعظم رمضانی کامه علیا، به سرانجام رسید که پنج سال زمان برد.

از نکات جالب درباره شخصیت دکتر فیاض این است که او به چند زبان ازجمله روسی مسلط بود. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در نشستی -که من هم در آن حضور داشتم- گفتند که در آن زمان گفته می شد که کسی در مشهد بهتر از فیاض روسی نمی داند. اینکه چگونه روسی یاد گرفته حکایتی شنیدنی است. مرحوم عبدالمجید فیاض که پسرِ برادر دکتر فیاض بود و از وکلای بنامِ مشهدی در کتابش نوشته که پدر دکتر فیاض خیلی تعصب دینی داشته و با زبان آموزی فرزندش مخالف بوده و چندان موافق نبود که فرزندانش بروند علوم جدیده یاد بگیرند. در خانه های قدیمی که خانه یک طرف بود و سرویس بهداشتی در سمت دیگر، مرحوم فیاض به خواهر و برادرهایش می گفته من می روم دستشویی، روسی بخوانم، ولی شما مزاحم نشوید که پدر هم متوجه نشود. با این شرایط چنان روسی را یاد گرفته بود که در آن ایام کسی در مشهد نبود که بهتر از او روسی بداند.

برای گرفتن حق تحصیل دختران تلاش زیادی کرد

دکتر محمدجعفر یاحقی: دکتر فیاض، معلم بزرگ خراسان و شاید ایران باشد. همه کسانی که در دانشکده ادبیات مشهد درس خوانده اند به عبارتی مدیون معلمی ایشان هستند

محمدجعفر یاحقی: بسیار بجاست که در روز معلم یادی از دکتر فیاض شده است. ایشان معلم بزرگ خراسان و شاید ایران باشد. همه کسانی که در دانشکده ادبیات مشهد درس خوانده اند به عبارتی مدیون معلمی دکتر فیاض هستند. نه تنها در دانشکده ادبیات که در دانشگاه فردوسی مشهد. جلسه در مکان مناسب و خوبی هم برگزار می شود. این مکان متعلق به فیاض است و به همت او ساخته شد و توسعه پیدا کرد.

چنان که می دانید برای تأسیس دانشکده ادبیات اهتمام خاصی داشت و مشکلات فراوانی برایش ایجاد می کردند. آن زمان در خراسان خیلی عجیب بود که در مدرسه ای دختر و پسر به صورت مختلط کنار هم درس بخوانند. اولین بار که دانشکده ادبیات دانشجوی دختر و پسر می پذیرد، با مخالفت شدید علما در مشهد مواجه می شود و فیاض درگیری های خاصی را از سر می گذراند که بالاخره اجازه بدهند این اتفاق بیفتد و دختران هم حق تحصیل داشته باشند. فیاض هم از خانواده علم و هم از خانواده ای روحانی برخاسته و در جوانی هم ملبس بوده و می دانسته کاری که می خواهد بکند چه مشکلاتی سر راه دارد. در عین حال با تدبیر و سیاست توانست این مشکل اساسی را حل کند.

برای استخدام معلمانی که اینجا بتوانند تدریس کنند هم مشکلات جدی ای داشت. آن زمان رقابت شدیدی بین معلمان پیشکسوت درگرفته بود و سفارش های زیادی به فیاض برای استخدام آن ها می شد اما او مطلقا زیر بار نمی رفت و فقط کسانی که اهلیت کار را داشتند و شایسته تدریس بودند، انتخاب می کرد. سنگ بنای آموزشی این دانشگاه با تدبیر و دشواری های فراوان گذاشته شده است.

دکتر فیاض ۹ سال رئیس دانشکده ادبیات و هم زمان رئیس دانشکده الهیات مشهد و استاد دانشگاه تهران بود. ایشان همچنین استاد راهنمای رساله پایان دوره لیسانس دکتر علی شریعتی بود. آن زمان در دوره لیسانس هم رساله داشتیم و آن زمان رساله هایی در دوره لیسانس نوشته می شد که دانشجوی دکتری امروز نمی تواند بنویسد. «موسیقی شعر» رساله لیسانس دکتر شفیعی کدکنی در همین دانشکده است. البته بعدها چیزهایی بر آن افزوده شد، اما اصلش همان رساله دوره لیسانس ایشان است. ویژگی دیگر فیاض این بود که بسیار کم حرف می زد، به زحمت باید از او حرف می کشیدید. امساک داشت در حرف زدن و نوشتن، اما دُر گفته و دُر سُفته است. تصحیح «تاریخ بیهقی» او کار کمی نیست. دریغا که از او نوشته های کمی مانده است.

فیاض ادیبی مورخ بود

دکتر عبدالرحیم قنوات: دکتر شریعتی در اسلام شناسی خیلی تحت تأثیر «تاریخ اسلام» دکتر فیاض است

عبدالرحیم قنوات: به نظرم می رسد دکتر فیاض را می توان از نسل ادیبان مورخ به شمار آورد. کسانی که تخصص اصلی شان ادبیات است، اما دست به خلق آثار تاریخی هم می زنند و آثار تاریخی درخور توجهی خلق می کنند. ۲۲ مقاله در کتاب «کارنامه فیاض» از ایشان چاپ شده که سیزده مقاله آن تاریخی است.

از یازده مقدمه ای که دکتر فیاض بر کتاب های مختلف نوشته اند و در این کتاب آمده، پنج نمونه آن تاریخی است. از ۱۰ سخنرانی که در دانشگاه فاروق اعظم مصر انجام داده اند، چهار مقاله تاریخی است. و از چهار عنوان کتابی که منتشر کرده اند، هر چهار عنوان تاریخی است. سؤالی که در ذهن من ایجاد شد این بود که چطور دکتر فیاض که رشته اش تاریخ هم نبوده، شاعر و نویسنده بوده و کارهای ادبی انجام می داده، توجهش به تاریخ جلب شده است؟ این سؤال درباره دکتر علی شریعتی هم برای من پیش آمد. شریعتی هم با وجود اینکه رشته اش ادبیات فارسی بوده به تاریخ توجه کرده، و این بی تأثیر از شاگردی کردن در محضر دکتر فیاض نبوده است. دکتر شریعتی در اسلام شناسی خیلی تحت تأثیر «تاریخ اسلام» دکتر فیاض است. حتی منابع مشترکی دارند و حتی گاهی اشتباهات مشترک. که معلوم است دکتر شریعتی تکیه کرده است به «تاریخ اسلام» دکتر فیاض. یکی از دلایل پرداختن این دو به تاریخ، ادیب بودن و خواندن ادبیات بوده است. خواندن و اشتغال به ادبیات، دکتر فیاض را رهنمون کرد به تاریخ. وقتی توجه می کنیم به متون ادبی و دقت می کنیم در آثاری که ادیبان مطالعه و به آن مراجعه می کنند، آثاری پیدا می شوند که از نظر تاریخی فوق العاده مهم است. بعضی از این ها با هدف تاریخ نگاری نوشته می شود. مثلا تاریخ بلعمی. اما برخی ادبیات هستند. اصلا ما تاریخ هایی هم داریم که به شعر نوشته شده است. بنابراین دکتر فیاض که «تاریخ بیهقی» را تصحیح کرده است، در همه مدت کارش با متنی تاریخی رو در رو بوده است. از طرفی بهترین تاریخ اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را می شود در کتاب هایی غیر از کتاب های تاریخ پیدا کرد. مثلا در شاهنامه، دیوان حافظ، حکایات عبید زاکانی و... و از این جهت هم فکر می کنم دکتر فیاض با تاریخ سر و کار داشته است.

روحانی زاده ای که متناسب با زمان خودش رفتار کرد

دکتر بهرام پروین گنابادی: مرحوم فیاض روحانی زاده ای بود که زمان خودش را درک کرد و فهمید باید چه کار کند. از دل مدرسه ای که او مدیرش بود بزرگان زیادی بیرون آمده اند

بهرام پروین گنابادی: ما اگر می خواهیم جامعه کوتاه مدت نباشیم باید موزه داشته باشیم که بدانیم گذشتگان ما چه راهی آمده اند و ما باید چه مسیری طی کنیم. این کتاب هم یک موزه است.

دکتر فیاض روحانی زاده بود، اما مدیر دبیرستان شاهرضا. امیدوارم دبیرستان شاهرضا به سرنوشت دبیرستان البرز و رازی دچار نشود که بهترین دبیرستان های دوره خودشان بودند و بعدها فاتحه اش را خواندند. دبیرستان شاهرضا جای دانشگاه را در خراسان و مشهد گرفته بود. معلمان این دبیرستان را لیست بکنید و مقایسه کنید با استادان دانشگاهی در تهرانِ امروز. این دبیرستان در زمانی که دکتر فیاض مدیرش است شروع می کند به رقابت کردن با کالج البرز و تیم های مشاعره، مناظره، تئاتر، شنا، کوهنوردی و تیم های علمی شان می رفتند تهران با دبیرستان البرز مسابقه می دادند و اغلب در ادبیات، مناظره و تئاتر -که چیزی جدید بود- برنده شاهرضای مشهد بوده است. مرحوم فیاض روحانی زاده ای بود که زمان خودش را درک کرد و فهمید باید چه کار کند. از دل مدرسه ای که او مدیرش بود بزرگان زیادی بیرون آمده اند. اگر مرحوم فیاض هیچ کار دیگری نکرده باشد، همان چند سال مدیریتش در دبیرستان شاهرضا برای نشان دادن اثرگذاری اش کافی است. او بعد دانش سرای مقدماتی مشهد را سال ۱۳۱۴ تأسیس می کند و خودش می شود رئیسش، یعنی پیش از تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، ایشان یک تجربه ای از تأسیس دانش سرا و چگونگی مدیریتش پیدا می کند. به همین دلیل است که وقتی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی تأسیس می شود خیلی پخته تر عمل می کند و هیئت امنای آن رفته رفته پهلو می زند به دانشگاه تهران.

آقای فیاض یک دفعه در خلأ به وجود نمی آید، فروزان فر و بهار در خلأ به وجود نمی آیند. این ها شاگردان ادیب نیشابوری اول هستند. ادیب خود خوانده است. اولین کسی است که در حوزه، ادبیات را از دروس حوزوی جدا می کند. یعنی خودش ابتکاری دانشکده ادبیات درست کرده بوده است. کسانی را هم به شاگردی جذب می کرد که استعداد داشتند. خود ادیب نیشابوری چطور به وجود آمد؟ اینجا می رسیم به نام میرزا حبیب خراسانی که شاعری عارف و عالم بود و تأثیر بسیاری در مشهد داشت. حبیب باعث می شود ادیب پا بگیرد و ادیب باعث می شود فیاض و هم دوره ای هایش به وجود بیایند و فیاض اثرش این است که دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی و آن دوره پربار دبیرستان شاهرضا را در تاریخ فرهنگ و ادبیات این شهر و کشور ببینیم.

حالا تأثیر ادیب نیشابوری در سیاست را ببینید. او قانع بود و آدم ها را قانع بار می آورد. ملک الشعرای بهار، پروین، فیاض، محمود فرخ خراسانی و دو نفر دیگر همه شاگردان ادیب نیشابوری بودند که نماینده مجلس شدند. سؤال من این است چطور می شود هیچ کدام از این ها بعد از نمایندگی مجلس توانایی اداره یک زندگی مرفه را نداشتند. در همین کتاب آمده که دکتر فیاض به دکتر قاسم غنی که در امریکاست نامه می نویسد که دوست دارم به دیدار شما بیایم، اما پول ندارم. کسی که رئیس دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی و مدیر دبیرستان شاهرضا و دو دوره نماینده مجلس بوده است، پول سفر ندارد. کسانی که زیر دست ادیب نیشابوری بودند، پاک دست و درست بار آمدند. این کتاب همچنین به ما یاد می دهد که اگر سیاست مدار اهل ادب و بافرهنگ باشد، پاک دست، درستکار و خدوم بار می آید.

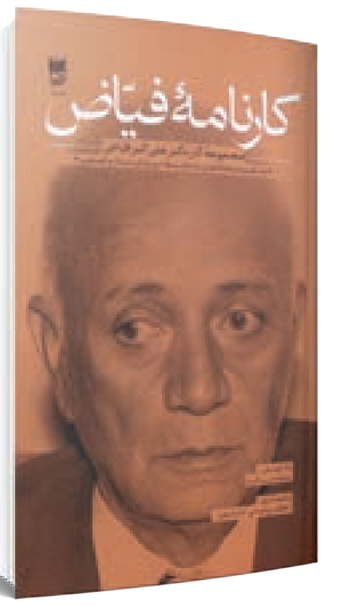

یادداشت

«کارنامه فیاض»، راهی که گشوده شد

خراسان در تاریخ و پیشینه دست کم هزارساله اش نام آورانی در شناسنامه خود دارد که پایه و مایه روزگاران پس از خود شده اند؛ آنان که ریشه دوانیده اند در تار و پود دانش و فرهنگ و ادبیات خراسان و ایران. مگر می شود به تأثیر فردوسی ها و بیهقی ها در نظم و نثر این سرزمین بی اعتنا بود؟ ازهمین رو، در روزگاران نزدیک به ما نیز کم نبوده اند کسانی که رد و نشان آن ها را در ادبیات و فرهنگ معاصر به روشنی می توان یافت؛ کسانی که خود مربیان و استادان افرادی شدند و هرکدام نام و آوازه ای یافتند و امروز نیازمند شناخت بیش ازپیش آن ها هستیم؛ دکتر علی اکبر فیاض تنها یکی از این نام هاست.

در آیین رونمایی از «کارنامه فیاض»، دکتر قنوات اشاره ای به جا و البته راهبردی به نکته ای کرد وگفت که باید شناخت زنده یاد دکتر فیاض را به دو فصل پیش از انتشار این کتاب و پس از انتشار آن تقسیم کرد. این سخن ضمن اینکه نگاهی به پژوهش عالمانه، دقیق و اثرگذار دکتر سلمان ساکت برای انتشار «کارنامه فیاض» دارد، ازسویی دیگر نکته ای مهم را گوشزد می کند و آن این است که چه بسیار بزرگانی در این بوم و بر هستند که هنوز ناشناخته اند و نیازمند پژوهش هایی درخور چونان «کارنامه فیاض». دکتر پروین گنابادی نیز که خود وارث نامی مشهور و خوش نام (زنده یاد محمد پروین گنابادی) در ادبیات و شعر معاصر است، به درستی نام هایی را بر زبان راند که هرکدام می طلبد با بازشناسی درخور و پژوهشی چونان «کارنامه فیاض»، جایگاه اثرگذار آن ها در سپهر ادبیات و فرهنگ و تاریخ این سرزمین به ویژه خراسان پیش چشم آید: کسانی چون ادیب نیشابوری و میرزا حبیب خراسانی.

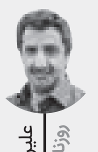
علیرضا حیدری
روزنامه نگار و مدرس ویراستاری

دکتر ساکت با «کارنامه فیاض» گامی شایسته را برداشت و کاری بایسته را به دوستداران ادبیات و تاریخ و شعر خراسان و بلکه ایران پیشکش کرد. ما نا نام دکتر فیاض یکی از این بزرگان بود که تأثیر او را به ویژه در پایه گذاری دانشکده ادبیات و دانشگاه فردوسی که سنگ بنای دیگری برای گسترش دانش و ادب در این اقلیم بود، نمی توان نادیده گرفت. «کارنامه فیاض» این راه را گشود و امید که نام های بزرگ دیگری که در این سلسله وجود دارند، موضوع پژوهش های بعدی قرار گیرند.

بی گمان شخصیت زنده یاد فیاض نیازمند چنین معرفی و پژوهشی بود. در بزرگی دکتر فیاض چه ستایشی بهتر از تمجید زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی که گفت: «نکته بسیار مهمی که در شیوه عالمانه استاد فیاض به نظر می رسید، پرهیز از هرگونه اظهار فضل بود در گفتن و نوشتن. بنده طی سال ها مصاحبت با او هرگز ندیدم در هیچ بابی وی اندک ادعایی بورزد.»

و نیز گفته زنده یاد جمال زاده که در دهه ۱۳۱۰ خورشیدی و در خانه دکتر غنی با دکتر فیاض دیداری داشته است، ماجرای این دیدار را چنین نوشته است:

«...شخص ایرانی دیگری هم با لباس خیلی ساده (گویا پیراهن و تنبان و عبای مستعملی) در انتظار دکتر غنی بود... رفته رفته صحبت مرا با این شخص ناشناس که فهمیدم از اصحاب علم و دانش است، به درازا کشانید و معلوم شد، فیاض نام دارد و از اهالی مشهد است.... این همان مرد فاضلی است که با یاری دکتر غنی، خدا را شکر رفته رفته در تهران در کار علم و تحقیق به مقام بلندی رسید و به مشهد مراجعت کرد و در دانشگاه آن شهر دارای کرسی ادبیات گردید.»

دکتر فیاض در چهارم شهریور ۱۳۵۰ در مشهد جهان را بدرود گفت و در حرم رضوی به خاک سپرده شد.

صاحب خبر

انجمن مبارزه با نشر جعلیات

شعر منصوب به فریدون مشیری درباره معلم جعلی است

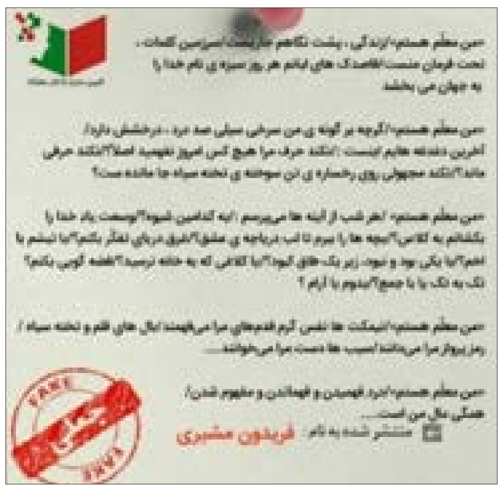

انجمن مبارزه با نشر جعلیات انجمنی است که برای مبارزه با نشر سخنان و اشعار جعلی در فضای مجازی شکل گرفته است و تحت نظارت استادان دانشگاه، دانشجویان ادبیات و تاریخ و خانواده شعرا مدیریت می شود. صفحه منتسب به این انجمن در اینستاگرام هم زمان با روز پاسداشت مقام معلم، شعری را که گفته می شود سروده فریدون مشیری است و درباره مقام معلم، بازنشر کرده و از این گفته است که متعلق به این شاعر نیست و جعلی است.

«من معلّم هستم»/ زندگی، پشت نگاهم جاری ست/ سرزمین کلمات، تحت فرمان من است/ قاصدک های لبانم هر روز سبزه نام خدا را به جهان می بخشد/ من معلّم هستم/ گرچه بر گونه من سرخی سیلی صد درد، درخشش دارد/ آخرین دغدغه هایم این است:/ نکند حرف مرا هیچ کس امروز نفهمد اصلاً؟/ نکند حرفی ماند؟/ نکند مجهولی روی رخساره تن سوخته تخته سیاه جا مانده ست؟ من معلم هستم/ هرشب از آینه ها می پرسم:/ به کدامین شیوه؟/ وسعتِ یادِ خدا را بکشانم به کلاس؟/ بچه ها را ببرم تا لبِ دریاچه عشق؟/ غرقِ دریای تفکّر بکنم؟/ با تبسّم یا اخم؟/ با یکی بود و نبود، زیر یک طاق کبود؟/ یا کلاغی که به خانه نرسید؟/ قصّه گویی بکنیم؟/ تک به تک یا با جمع؟/ بدوم یا آرام؟ من معلّم هستم/ دردِ فهمیدن و فهماندن و مفهوم شدن/ همگی مال من است.

تازه های کتاب

کتاب «سفر به نیمه دیگر خود» منتشر شد

تک نگاره هایی درباره افغانستان

کتاب «سفر به نیمه دیگر خود» نوشته علی نورآبادی به وسیله نشر صاد منتشر و در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می شود.

خبرگزاری مهر نوشته است: کتاب «سفر به نیمه دیگر خود» نوشته علی نورآبادی، خبرنگار و پژوهشگر، به تازگی به وسیله نشر صاد منتشر شده است و در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می شود. این کتاب شامل دو تک نگاری درباره افغانستان است. همچنین یک سفرنامه تصویری نیز در کتاب آمده است.

نورآبادی درباره چگونگی نوشتن این کتاب می گوید: سفر نخست من به افغانستان در آذر ۱۳۸۵ بعد از سقوط حکومت طالبان به دست مجاهدان بود. این سفر کاملاً شخصی و زمینی و به مدت ۱۲ روز بود. اما سفر دوم در اسفند ۱۳۹۲ بود. این بار سفر ما کاملاً رسمی و دولتی بود و به همراه هیئتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به دعوت مسئولان فرهنگی افغانستان عازم این کشور شدیم. نخستین آشنایی جدی من با افغانستان در دوره دانشجویی بود. نمی دانم کتاب «پیاده آمده بودم»، مجموعه اشعار محمدکاظم کاظمی چگونه به دستم رسیده بود، اما شعرهایش به شدت به دلم نشسته و بسیاری از آن ها را حفظ کرده بودم. اشعار آن با فضای بعد از جنگ و دهه ۱۳۷۰ همخوانی زیادی داشت و از آن ها در نمایشگاه ها و نشریات دانشجویی استفاده می کردیم. البته در آن زمان نمی دانستم محمدکاظم کاظمی افغانستانی است. این را بعدها فهمیدم و شگفت زده شدم و با نگاه تازه ای کتاب و دیگر اشعار او را خواندم. همین کتاب، نقطه آغاز جست وجوی بیشتر من درباره افغانستان شد. در این جست وجوها کتاب «برچه های سرخ، کوچه های سبز» به دستم افتاد. مطالعه این کتاب که شامل یادداشت های سفر رضا برجی به افغانستان در بحبوحه جنگ های داخلی است، علاقه ام را به این کشور دوچندان کرد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری| مدرس ویراستاری

● ناویراسته ✗

مفتخرم در موسسه ای که عنوان برتر را یدک می کشد، کار می کنم.

● ویراسته ✓

۱. مفتخرم در مؤسسه ای کار می کنم که به عنوان «برتری» افتخار می کند.

۲. مفتخرم در مؤسسه ای کار می کنم که مؤسسهٔ برتر شناخته شده است.

۳. مفتخرم در مؤسسه ای کار می کنم که عنوان «برتری» را کسب کرده است.

نکته

کاربست «یدک کشیدن» برای یک موضوع مثبت و افتخارآمیز، بسیار ناشیانه و نادرست است.

#زین_قند_پارسی